

تصویر زن

لیلی مصطفوی کاشانی

در پر تو قرآن و کتب مقدس

يا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُتَلَقِّهِ.

ای انسان همانا تو در راه پروردگاز، کوشش می کنی کوشش زیاد پس او را ملاقات خواهی کرد (الانشقاق، ۶)

شاید یکی از مهمترین و اساسی ترین وظیفه سمپوزیوم دیالوگ بین اسلام و مسیحیت همانا مشارکت در درک متقابل عمیق ترین بخش های مذهبی و بدین طریق نجات انسان از ورطه پروجرایبی دنیوی در جهان امروز باشد که طرفداران آن تا هم اکنون بر تفکر و روش زندگی آدمی اثر خود را گذاشته اند. از سوی دیگر فرو ریختن آن ملجاء این دنیایی در عصر بحران زده کنونی در مقابل شیخ یک جنگ کاملاً انهدامی، منجر به آن شده است که انسان اهم از زن و مرد در طلب مفهوم نوینی از زندگی و نیز اختیار و اقتدار شخصیت خود برآید تا شاید بدین طریق بتواند زمینه هویت و جایگاه اجتماعی خود را مشخص سازد. بدیهی است آشنایی با هویت خود بتأیر معیار دینی همانا منشاء وابستگی به کلیسا یا مسجد می شود.

بدینجهت سمپوزیوم که بر اساس دیالوگ بین اسلام و مسیحیت، در جهت روشن کردن و تحکیم وضعیت انسانی در جهان امروز تلاش می کند، قاطعانه تمامی جامعه بشری را مخاطب قرار می دهد. آن جامعه بشری که ساخته و پرداخته حب الهی است. و از آنجا که مسئله زن و دین در مقایسه با دیگر مسائل شامل افراد بیشتری می شود، و از آنجا که دین یکی از مهمترین عوامل شکل دهنده و نیروبخش تصویر و نقش زن در فرهنگ و جامعه است، لذا تصویر زن در اسلام و مسیحیت موضوع انتخابی من بشمار می رود.

بسیاری از زنان در مقابل سئوالات مربوط به جایگاه و نقش خود در جهان امروز سرگشته و حیران می باشند. و در حالیکه تلاش زنان در جهت میل به مساوات اغلب مورد بهره برداری منافع سیاسی - اجتماعی بر اساس موضع گیری های ایدئولوژیکی قرار می گیرد. آیا بهتر نیست پیش از هر چیز آن کرامت ذاتی زن و آن عنصر الهی وی را در پر تو قرآن و کتاب مقدس در اینجا مطرح کنیم. تا بدین طریق طلب مساوات از جانب وی بر اساس موازین ملموس تری قرار گیرد.

از آنجا که مسیحیت و اسلام هر دو دین توحیدآمیز باشند، بنابراین ما می توانیم از آشنایی با دین توحیدآمیز الهی است که در سوره قاف آیه ۱۶ به بهترین وجهی توطیف نمودیم (الانشقاق، ۱۶) و نُحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَيْلِ الْوَارِثِ ما نزدیکتریم به او از رگ کردن

بدین ترتیب حضور خداوند در روح انسان مشخص و به مراتب از گفته مشهور سنت اگوستین، intimior intimio meo روشن تر است. این از رویارویی الهی است که حیات زن را در ارتباط با بعد نهایی آن روشنی می بخشد، زیرا آنگاه که قرآن آدمی را در راستای خلقت به عنوان خلیفه و نماینده خدا تصویر می کند، بدیهی است کرامت انسانی، در نزد زن و مرد فزونی می یابد. (خلیقه فی الارض - سوره بقره، ۳۰) « من در زمین خلیفه ای قرار داده ام. قول به چنین تعابیری برای انسان در قرآن از نظر انسان شناسی دینی می تواند با فرا خواندن انسان به عنوان تصویر و شبیه خدا در عهد عتیق تطبیق پذیر باشد.

و خدا گفت آدم را به صورت ما و موافق و شبیه ما بسازیم (سفر پیدایش ۲، ۲۶).



متأسفانه روایت حوا که در مقام دوم خلق شده و در مقام اول گناه کرده بود در مسیحیت جهت تحقیر زن و پایین بردن سطح وی بکار گرفته شده است.

نکته مورد اشتراک حتی در این انتخاب محدود نمایان است. در اسلام و مسیحیت، ارتباط بین خدا و انسان، انسان به عنوان تصویر خداوند یا خلیفه خداوند، مشخص است در کتاب مزامیر، مزمور هشتم، ۲۵۵ آمده است:

«پس انسان چیست... او را از فرشتگان اندکی کمتر ساختی و تاج جلال و اکرام بر سر او گذاردی. و همه چیز را زیر پای وی نهادی» در قرآن مجید نیز شریف ترین و اصیل ترین موجود است همانا انسان است که نه تنها نماینده خداوند بلکه امانتدار خدا بر روی زمین نیز میباشد. «همانا عرضه فرمودیم این امانت را بر آسمان و زمین... و برداشتش انسان». احزاب، ۷۲. شاید این انتخاب محدود از کتب مقدس و قرآن می تواند نمایانگر نزدیک شدن به مقام الهی و حب الهی یافتن انسان باشد. بدیهی است قداستی این چنین متعالی برای انسان به مفهوم انسان زدایی نبوده بلکه ستایش و تجلیل از کرامت ذاتی زن و مرد است که به هنگام خلقت به عنوان عطیه الهی برای آنها در نظر گرفته شده است. چنانچه در سفر پیدایش می بینیم:

«پس خدا آدم را به صورت خود آفرید، او را به صورت خدا آفرید، ایشان را تر و ماده آفرید. در اینجا زن در کنار مرد بطور مستقیم و با قصد خاص آفریده شده است. در اسلام نیز زن و مرد از یک طبیعت و یک جنس (خلفکم من نفس واحدہ نساء، ۱). و از یک نفس واحد آفریده شده اند و زن و مرد مجموعاً انسانیت را تشکیل می دهند.

«ای انسان ما شما را مرد و زن آفریدیم» هجرات، ۱۳

«پس در داستان خلقت تساوی زن و مرد مشخص است همانطور که در انجیل مرقس باب دهم آیه ۶ آمده است»

«لیکن از ابتدای خلقت خدا ایشان را مرد و زن آفرید».

در ضمن باید در نظر داشت که خطاب آیات کریمه قرآن مجموعاً به انسانها است و نه تنها به مرد یا زن، یا ایها الناس!

بدین ترتیب زن نیز در قرآن و کتاب مقدس نماینده خداوند، و امانتدار خداوند و تصویر خداوند است که توسط همان خالق و در همان زمان آفریده شده است و نه به عنوان یک موجود جدا از دستگاه آفرینش.

حتی ذکر این که در «عهد عتیق» زن مستقیماً از مرد درست شده است می تواند به منظور تأیید هماهنگ بودن و هم جنس و هم طبیعت بودن زن و مرد باشد. چنانچه در باب دوم سفر پیدایش (آیه ۲۳) آمده است:

«و آدم گفت همانا ایست استخوانی از استخوانهایم و گوشتی از گوشتم».

برنامه آفرینش الهی دو صله آن نبوده است که یکی را کامل و دیگری را غیر کامل بسازد. البته در قرآن مجید مطرح شده است که زن از دنده آدم ساخته شده است و به همین علت تفسیری بر اساس فرعی بودن مقام زن به هنگام آفرینش وجود ندارد.

نکته دیگری که مقام زن را نزول می دهد، همان میراث گذشتگان است که زن را متشا گناه و عاملی برای هبوط آدم می داند پس زن میداء و سوسه شناخته می شود. گفته شده است که شیطان از طریق زن، مرد را فریب داد. به عبارت دیگر شیطان حوا و حوا آدم را وسوسه کرد، چنانچه در «پیدایش» باب سوم، آیه ۴ آمده است: «مار به زن گفت... او در همان باب، آیه ۶ آمده است: «چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست از میوه اش گرفته، بخورد و بشوهر خود نیز داد و او خورد».

حال آنکه در قرآن مجید بدنامی نهایی متوجه زن نیست، بلکه هر دو زن و مرد مطرح می باشند.



«سوسه‌دهنده» در کنار خدای از خواهران ارشدی در جامعه فاسی. آن (خواهران از آمریکا، سوئد و فرانسه)

«شیطان گفت ای آدم! آیا دلالت کنم بر درخت جاودانی...» (سوره طه، ۱۲۰) پس شیطان هر دو را در یک زمان وسوسه کرد. چنانچه در سوره اعراف آیه ۲۰ آمده است «پس شیطان وسوسه کرد ایشان راه و در جای دیگر در آیه ۲۲ همین سوره آمده است: «...و پس چون چشیدند از آن درخت...»

در جوامع غربی اغلب مطالب درباره زنان توسط زنانی نوشته می شود که با دین بیگانه اند.

بسیاری از زنان در مقابل سئوالات مربوط به جایگاه و نقش خود در جهان امروز سرگشته و حیران می باشند.

چنین است موقعیت زن در قرآن مجید در رابطه با وسوسه آدم. متأسفانه روایت حوا که در مقام دوم خلق شده و در مقام اول گناه کرده بود در مسیحیت جهت تحقیر زن و پائین بردن سطح وی بکار گرفته شده است. اینکه زن و مرد از نظر فطرت الهی برابر هستند از واقعیات آشکار می باشد، لیکن این نظریه طی قرون به علت جهل، تعصب و محدودیت در افکار و عقاید در پشت پرده تاریکی قرار گرفته است. و بی جهت نیست که باید به سرآغاز حیات آدمی، آن هنگام که زن و مرد به عنوان تصویر و شبیه خداوند به دور از بدن نامی حواء شناخته می شوند، بازگردیم. چنانچه در رساله اول قرنتیان باب یازدهم، آیه ۱۲ آمده است:

«لیکن زن از مرد جدا نیست و مرد جدا از زن نیست در خداوند.»

بدین ترتیب آنچه که در قرآن مجید و کتاب مقدس درباره خلقت اولین زن و اولین مرد آمده است باید با توجه به دیگر مطالب درباره آفرینش آنها که بطور مشترک در برابر خداوند و نیز در مقابل جامعه بشری مسئول می باشند، در نظر گرفته شود. گر چه آدمی امروزه به ندرت با چنین پیشی زندگی می کند، لیکن چنین پیشی را نمی توان منکر شد.

البته در یک جامعه راستین اسلامی، جائیکه ارتباط دین و دولت و جامعه ارتباطی از نوع ارگانیک است، انسانها هم از زن و مرد مشمول معیارهای ناشی می باشند که بر اساس ارزش و کرامت انسانی واقع شده اند. بنابراین برای زن امکان آن وجود دارد که یک نظام ارزشی منسجم و پر معنا بر اساس شخصیت راستین فطرت الهی خود بوجود آورد. بدین ترتیب این زنی که پرورش دهنده انسان به عنوان خلیفه خداوند و امانتدار زندگی است به هویت و شخصیت جدیدی دست یابد همانا آگاهی از بعد دیگری بر اساس ابعاد دنیایی و مادی می باشد. متأسفانه در جوامع غربی اغلب مطالب درباره زنان توسط زنانی نوشته می شود که با دین بیگانه اند. آنها اغلب نقش کلیسا را به عنوان تاریخ محدودیتها می شناسند و کمتر سعی کرده اند که در جهت شناخت دین و نقش آن تلاش کنند حال آنکه امروزه شاید زنان با یادآوری تصویر الهی خود بتوانند با مسایل اساسی زندگی بهتر کنار بیایند. شاید مهمترین نیاز زن امروزی در جامعه غیر دینی همانا بازگشت به نیروی ایمان است که در این عصر بین ایمانی به علت فقر معنوی بتدریج از بین رفته است. و زن می تواند این کار را نه بخاطر خود بلکه برای نسل آینده انجام دهد که سرنوشت آن بستگی به تصمیمات امروزی دارد.

ولی خوشبختانه در آستانه قرن بیست و یکم، هنگامی که پیشرفت سلاح و دست گذاری های زنتیکی در نتیجه علم مدرن خوف بشر مدرن را بی نهایت فزونی داده است، هنوز هم آسادگی برای تجلیل از طبیعت الهی انسان وجود دارد.

